

عروسی در مسجد

می گویند کارشان سراسر خاطره و انرژی مثبت است، اما یکی از خاطراتی که دو نفرشان روی آن اتفاق نظر دارند و از آن به خوبی یاد می کنند، عروسی در مسجد محله است. خانم درویش می گوید: «مراسم عروسی ای که در مسجد محله گرفتیم، خیلی خوب بود. خیلی هم باصفا برگزار شد. آن شب هم سرم شام عروسی را درست کرد و خیلی هم خوشمزه شده بود؛ البته برای من همین بس که خدا دختری را سر راهم قرار داد که مادر بزرگ پیرش، قبل از مرگ، او را به دست من سپرد و باعث شد من معجزه را به چشم ببینم و حس کنم، جهیزیه این دختر با معجزه درست شد. مراسم جهاز بران این دختر هم معجزه بود؛ معجزه ای که برای چند نفر باورناپذیر بود. «آقای واحدی حرف های حاج خانم را پی می گیرد: «وقتی جهاز این دختر خانم را بردیم، پدر بزرگ پیرش امکان راه رفتن نداشت. ما پشت در مانده بودیم و هر لحظه هم امکان داشت خانواده داماد از راه برسند. در همین گیرودار بودیم که راننده ماشینی که جهاز را بار ماشینش کرده بودند، ناخودآگاه سوییچ ماشینش را داخل قفل خانه کرد و در به طرز معجزه آسایی باز شد و ما توانستیم وارد خانه شویم؛ البته از این دست معجزه ها زیاد است اما بهتر است تعریف نشود تا اجرمان کم نشود؛ چون ما برای رضای خدا این کارها را انجام می دهیم و در واقع وسیله ای بیش نیستیم.»

دهه ۷۰ و پایگاهی که به ستاد نیکوکاری تبدیل شد

سال ها گذشت و جنگ با رشادت رزمنده هایی همانند حاج آقا واحدی به پیروزی رسید. دوسال، تمام شد و او به خانه بازگشت؛ خانه ای که اوضاع آن با وقتی به جبهه رفته بود، فرقی نکرده و حتی بهتر هم شده بود. بازگشت به خانه هم زمان شد با یک پیشنهاد از سوی حاج خانم. خانم درویش پیشنهاد داد گروهی با همکاری چند خیر بزرگ برای کمک به خانواده های آسیب دیده تشکیل شود و از حاج آقا برای همراهی کمک خواست. واحدی در این باره می گوید: «من مسئول پایگاه بسیج بودم و هم سرم هم رسیدگی به کارهای خانه و امور بانوان محله را برعهده داشتم. هر خانمی که در محله به مشکلی برمی خورد، نزد حاج خانم می آمد و او هم هر کاری از دستش برمی آمد، برایش انجام می داد. تاروی که به خانه آمدم و او از تشکیل گروهی به نام انصارالمجاهدین خبر داد. این گروه، کارش کمک به فقرا و خانواده های آسیب دیده بود. از من کمک خواست و من با جان و دل پذیرفتم. از آن روز به بعد هم هر کاری بود، با هم انجامش می دادیم.»

اهدای سالانه ۳ سری جهیزیه به نوجوانان

دفتر نیکوکاری حاج خانم درویش کارهای بزرگی به دور از چشم و گوش مردم محله انجام می دهد که گفتنش از نظر این زن و شوهر خیر شاید اجرشان را کم کند، اما بد نیست بدانید این دفتر نیکوکاری، تاکنون ۱۲ دختر را راهی خانه بخت کرده است و در کنار این کار بزرگ، سالانه سه دست جهیزیه کامل به نوجوانان اهدا می کند و خانواده های زیادی را تحت پوشش خود دارد؛ البته قبل از آغاز به کار رسمی دفتر نیکوکاری، حاج خانم درویش به گفته اهالی محله، جهیزیه دختران نوجوان را در همان

زیرزمینی که در سال های نه چندان دور ستاد پشتیبانی جنگ بود، با هزینه شخصی خود، تهیه و بدون اینکه کسی متوجه شود، به خانواده هایشان اهدا می کرد: «۳۵۰ خانواده، تحت پوشش دفتر نیکوکاری هستند و ۱۵۰ دختر و پسر محله نیز حامی دارند. ما سعی می کنیم مشکلات دیگر اعضای محله را در صورتی که خیری برای برطرف کردنش پیدا نشود، خودمان با هزینه شخصی برطرف کنیم.»

حاج آقا واحدی ادامه می دهد: «نمی گذاریم

کاری روی زمین بماند. اول مردم، بعد خودمان و آنچه از مایحتاج خانه که در اختیار داریم، را صرف این کار می کنیم.»

خانم درویش، دستانش را به آسمان می برد و با خدایزیر لب زمزمه می کند و می گوید: «لطف خدا بوده که شرمند مردم نیازمند نشویم. هر کاری هم کرده ایم، خدا برکتش را در زندگی بچه ها و نوه هایمان داده است. با زبانی که خدا به ما داده است، کارهایمان را از پیش می بریم و گاهی با استفاده از هوش اقتصادی آقای واحدی، کارها زودتر انجام می شود. در سال های اخیر هم برای بازسازی عتبات عالیات ۴۰ میلیون تومان جمع کردیم و خدا را شکر توانستیم در این راه هم، قدمی برداریم.»

